



رام ۱۹

## شروین وکیلی

رام (روزشمار ایرانی معنادار) کوششی است برای بازسازی تقویم روزشماری معنادار برای ایرانیان، به شکلی که مناسبتها و سالگردهای منسوب به روزها عینیتی علمی داشته باشد و زمان روزمره و معنازوده‌ی امروزی که روزهایمان را پوچ و پوک ساخته را به توالی‌ای معنادار از سالگردِ رخدادهای معنادار تبدیل کند.

سه گوشزد در درباره‌ی طرح رام:

(۱) تمام تاریخ‌هایی که شناسه‌ی میلادی (م.) یا پیشامیلادی (پ.م) ندارند به هجری خورشیدی محاسبه شده‌اند.  
(۲) محتوای روزشمار رام نهایی نیست و تا پایان سال ۱۳۹۶ تکمیل می‌شود. هنگام نقل آن به طرح ارجاع دهید و این نکته را در نظر داشته باشید.

(۳) اگر مناسبتی سراغ دارید که نادیده مانده، آن را همراه با نشانی مرجعش در تلگرام بفرستید که در این طرح گنجانده شود:

@SherwinVakili (<https://t.me/SherwinVakili>) / tel.0912-6363764

## نوزدهم فروردین

نوزدهم فروردین را زرتشتیان ایرانی از دیرباز با آیین فروردین گان یا جشن فرودگ گرامی می‌داشتند و این روزی است که مراسمی برای بزرگداشت روان نیاکان در گذشته برگزار می‌شود.

از نظر تاریخی این روز با درگیری‌های نیروهای ایران گرا و ایران ستیز مصادف بوده است. قدیمی‌تر از همه آن که در نوزدهم فروردین سال ۲۱۷ میلادی امپراتور نیمه‌دیوانه‌ی رومی کاراکالا که با بهانه‌ی ازدواج با شاهدختی اشکانی با استقبال رسمی ایرانیان به میانرودان آمده بود و ناجوانمردانه بزرگان اشکانی را در مجلس عروسی کشتار کرده بود، هنگامی که پس از قتل و غارت بسیار در روستاها از ترس انتقامجویی ایرانیان به سوی روم عقب می‌نشست، به شکل شرم‌آوری جان داد. کیفیت ماجرا هم چنین بود که وقتی در نزدیکی شهر حران ایستاده بود تا کنار جاده ادرار کند، به دست یکی از نگهبانانش به نام یولیوس مارتیالیس به قتل رسید.

نزدیک به چهارصد سال بعد تهاجم دیگری از رومیان هم در همین روز خاتمه یافت و آن به سال هفتم هجری خورشیدی زمانی رخ داد که شیرویه قباد -شاهنشاه تازه بر تخت نشسته‌ی ساسانی- نامه‌ای به هراکلیوس

رومی نوشت و او را به صلح دعوت کرد. هراکلیوس که به آذربایجان تاخته و آنجا زمینگیر شده بود، خوشنود از برکنار شدن دشمن نیرومندش خسرو پرویز پذیرفت و به قلمرو روم بازگشت.



دیوارنگاره‌ی کاراکالای کودک به همراه پدر و مادر و برادرش، چهره‌ی



سردیس کاراکالا و بازسازی چهره‌اش

برادرش گتا که به دست کاراکالا کشته شد، به امر او پاک شده!

حدود دو و نیم قرن پس از این واقعه، موج توفنده‌ی هجوم اعراب به ایران زمین فرو نشسته و موجهای پیاپی واکنش نظامی ایرانیان به جایگزینی خلافت عباسی به جای امویان انجامیده بود. با این همه هنوز نیروهای ضد خلافت دست به شمشیر بودند و نیرومندترین شان در سال ۲۵۵ خورشیدی یعقوب لیث صفاری بود که دلجویی‌هایی عباسیان و رشوه‌هایشان را به هیچ گرفت و همراه با سردار نیرومندش ابی‌ساج دیوداد از سیستان به سوی میانرودان لشکر کشید تا خلافت را بر اندازد. تا این که در نوزدهم فروردین همین سال در نبرد دیرالعقول از سپاهیان خلیفه که فرماندهانشان موسی بن بغا و مسرور بلخی بودند شکست خورد و از پیشروی باز ماند.

یعقوب که همچنان نیرومند بود و بغداد را تهدید می‌کرد کمی بعد بیمار شد و درگذشت و خاطر خلیفه را آسوده ساخت.



تندیس رکن‌الدین بیبرس



تندیس یعقوب لیث صفاری



سکه‌ی شیرویه قباد

آنگاه باز چهارصد سال و اندی سپری شد تا این که نوبت به هجوم دوباره‌ی اروپاییان به قلمرو ایران زمین رسید. این بار صلیبیون بودند که به سواحل مدیترانه می‌تاختند. تا این که در نوزدهم فروردین سال ۶۵۰ خورشیدی ملک ظاهر رکن‌الدین بیبرس که سلطان مملوکی مصر بود بر شوالیه‌های صلیبی غلبه کرد و حصن‌الاکراد (Krak des Chevaliers) در سوریه را فتح کرد. این خروج قوای مهاجم غربی در زمانه‌ی معاصرمان هم به شکل خفیفی تکرار شد و آن در نوزدهم فروردین سال ۱۳۰۰ رخ داد، یعنی زمانی که روسها به دنبال انقلاب بلشویکی مناطق شمالی ایران را تخلیه کردند و انگلیسی‌ها هم که به خاطر جنگ جهانی اول به ایران یورش برده بودند، زنجان و قزوین را ترک کردند. با این همه یورشهای دست‌نشانندگان غربیان تا همین روزهای اخیر همچنان

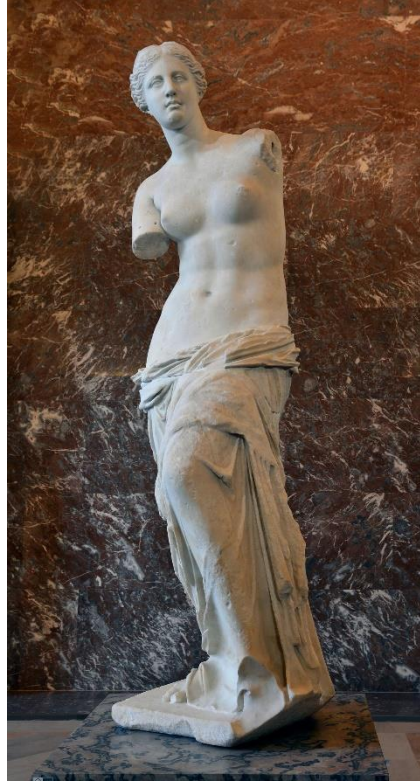
تداوم داشته و در نوزدهم فروردین چهار سال پیش (۱۳۹۲) بود که جبهه النصره و دولت اسلامی عراق با هم متحد شدند و داعش را تاسیس کردند.

در ایران باید به وقایع آذربایجان هم اشاره‌ای کنیم. چون در همین روز (۱۲۹۹) شیخ محمد خیابانی پس از تصرف اداره‌های تبریز بیانیه‌ای از طرف رهبران حزب دموکرات به دو زبان پارسی و فرانسوی (و بر خلاف تصور عوام، نه ترکی!) صادر کرد و در آن به وفاداری‌اش به قانون مشروطه‌ی ایران و میهن‌دوستی و وطن‌پرستی‌اش تاکید کرد و نام آذربایجان را به آزادیستان تغییر داد و تاسیس نهادهای مدنی مدرن را در این قلمرو وعده داد. دو سال بعد آتاتورک کمابیش همین کار را با فریبکاری تکرار کرد، یعنی در نوزدهم فروردین ۱۳۰۱ برای جلب هواداری نیروهای اسلام‌گرا اعلام کرد که دادگاه‌های شرح را در سراسر ترکیه تاسیس خواهد کرد و برای مدتی هم چنین کرد و بگیر و ببندی مذهبی راه انداخت. تا این که پایه‌های قدرتش محکم شد و در این دادگاه‌ها را تخته کرد.

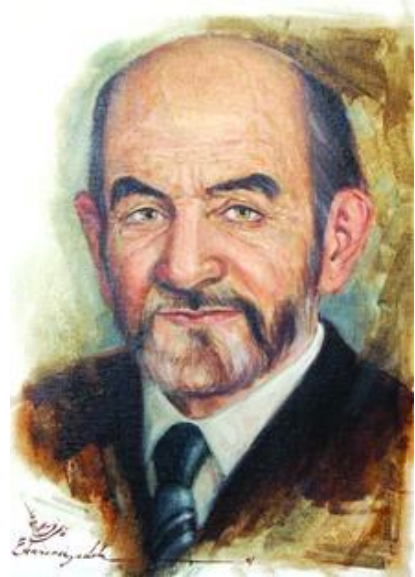
در سطح جهانی نوزدهم فروردین با طیفی واگرا از رخداد‌های ریز و درشت همزمان بوده است. در ۶۱۱ خورشیدی مغولها به شهر کای‌فنگ پایتخت دولت نیرومند جین تاختند و آنجا را محاصره کردند. نزدیک ششصد سال بعد (۱۳۲۱) ژاپنی‌ها باتان در فیلیپین را گرفتند و نیروهای مستعمره‌چی اروپایی را از آنجا راندند. سه سال بعد (۱۳۲۴) یک قطار آلمانی که در هانووور زندانیان را به اردوگاهی می‌برد توسط متفقین بمباران شد و چهار هزار تن از زندانیان در این میان به قتل رسیدند که طبعاً گناهش بعدتر به گردن آلمانی‌های جنایت‌پیشه افتاد! دولت جمهوری مقدونیه (۱۳۷۲) هم در همین روز به سازمان ملل متحد پیوست.



ادموند هوسرل



تنديس ونوس ميلو



ابوالقاسم سحاب

نوزدهم فروردین در ضمن سالگرد چند رخداد اجتماعی و فرهنگی هم هست. مجسمه‌ی مشهور ونوس  
 میلو در این روز (۱۱۹۹) در جزیره‌ی میلوس در دریای اژه کشف شد. نود سال پیش از آن (۱۱۰۹) اولین کنیسه‌ی  
 یهودیان در نیویورک تاسیس شد و کمتر از نود سال بعدش (۱۲۸۳) Longacre Square در وسط منهتن به  
 خاطر دفتر نیویورک تایمز که آنجا بود، به اسم Times Square نامگذاری شد که امروز هم هست و شهرت  
 دارد. در نوزدهم فروردین ۱۲۸۷ مدرسه‌ی کسب و کار (Harvard Business School) در دانشگاه هاروارد  
 تاسیس شد و سه سال بعد (۱۲۹۰) هایه کامرلینگ فیزیکدان هلندی خاصیت ابرسانایی را کشف کرد. در همین

روز به سال ۱۳۲۵ هم به دنبال دولتی شدن صنایع برق در فرانسه شرکت الکتریسیته دو فرانس تاسیس شد که بزرگترین شرکت خدمات عمومی در جهان محسوب می‌شد.

شمار زادگان و رفتگان نامدار در نوزدهم فروردین به نسبت اندک است. ابوالقاسم سحاب نویسنده و پژوهشگر ایرانی و بنیانگذار مؤسسه‌ی جغرافی و نقشه‌ی سحاب در این روز (به سال ۱۲۶۶) در تفرش زاده شد و کمی پیش از او ادموند هوسرل (۱۲۳۸) فیلسوف پدیدارشناس آلمانی چشم به جهان گشود. دو دهه پس از او (۱۲۸۵) اگوست دیتر که نخستین تشخیص بیماری آلزایمر درباره‌اش انجام شده بود درگذشت. در همین روز پابلو پیکاسو (۱۳۵۲) و مارگارت تاچر (۱۳۹۲) هم قالب تهی کردند. اما در این میان در ایران مهمتر از همه صادق هدایت است که در نوزدهم فروردین ۱۳۳۰ در پاریس خودکشی کرد.



تصویری کمیاب از کودکی صادق هدایت در میان خویشاوندان خردسالش

